

« کفتر بازان »

رمان تازهء ببرک ارغند

رمان « کفتر بازان » چندی قبل به دستم رسید و آن را با اشتیاقی که رمان « پهلوان مراد و اسپه که اصیل نبود » در من برانگیخته بود ، خواندم. این رمان در ۴۵۰ صفحه نوشته شده و حجمی همانند رمان قبلی ببرک ارغند دارد.

در مورد نخستین رمان ببرک ارغند ، نوشته بودم : « وقتی رمان « پهلوان مراد و اسپه که اصیل نبود » را در دست گرفتم ، با بی میلی ناشی از پیش داوری شروع به خواندن آن کردم ؛ شب صبح شد ، ولی دیدم که نمی توانم کتاب را ببندم و به خواب روم . وقتی رمان به آخر رسید ، فکر کردم که عالی ترین فلم هنری در مورد بزکشی و پهلوانان بزکش را دیده ام . و بار دیگر به خاطر پیش داوری خودم را سرزنش کردم .

صرف نظر از این که منتقدین ادبی در بارهء رمان « مراد و اسپه که اصیل نبود » چه بنویسند، برای من - به حیث یک خواننده - این اثر یکی از بهترین رمان های افغانی باقی خواهد ماند که تا کنون خوانده ام .»

و اما ، طوری که دیده شد ، رمان « پهلوان مراد و اسپه که اصیل نبود » ، طلسم سکوت منتقدین ادبی در مورد ببرک ارغند را شکست و او را فراتر از مرزی برد که کسی بتواند به خاطر تعلقات اندیشه یی و سیاسی نویسنده ، آثارش را هم تجرید و تبعید کند و نادیده بینگارند و یا هم از خود وی صرف به حیث یک نویسندهء دههء هشتاد در داخل افغانستان ، نام ببرند. شاید این امر سبب شود که روزی منتقدین بار دیگر آثار قبلی ببرک ارغند را هم دوباره بخوانند و دوباره در مورد آن ها داوری بکنند. اگر چنین هم شود ، باز هم این نکته بر جا خواهد ماند که داستان های قبلی ببرک ارغند ، در دههء هفتاد و به ویژه دههء هشتاد ، بار سیاسی بیشتر و برهنه تر داشتند و ...

به هر رو ، « کفتر بازان » از بسا جهات با « پهلوان مراد و اسپی که اصیل نبود »

شباهت دارد- به ویژه از نظر بازتاب برخی جنبه های فرهنگ و فلکلور مردم.

یکی از صاحب نظران تفاوت عمدهء رمان « کفتر بازان » از « پهلوان مراد و اسپی که

اصیل نبود » را عدم بازتاب زمینهء اجتماعی وقوع حوادث در دومین رمان ببرک

ارغند ، دانسته و آن را کاستی عمدهء این رمان تلقی می کند. و اما ، آیا بازتاب

زمینهء اجتماعی مشخصهء حتمی و اجتناب ناپذیر رمان است و باید باقی بماند ؟

وقتی که من « کفتر بازان » را می خواندم ، فقدان زمینهء اجتماعی را احساس نکردم.

شاید این کمبود را خوانندهء خارجی و ناآشنا با تاریخ دههء هفتاد و هشتاد افغانستان

، احساس کند و شاید هم کسانی از نسل های آینده افغان ها در دهه های بعدی- اگر

تاریخ این دوره را نخوانده باشند.

رمان « کفتر بازان » سرنوشت پرماجرایی یک خانوادهء دهاتی است که برای حفظ آبرو و

ناموس از دهکده یی در حومهء شهر به شهر کابل کوچ می کند، در شهر از روی

تصادف و به دلیل خوشقلبی روستایی ، به یاری خویشاوند تازه شهری در دوره
پر آشوب بر باد زمانه سوار می شود و در پایان به سراب می رسد.

و اما ، از دید من ، اهمیت این دو رمان ببرک ارغند ، بیش از هر جهت دیگری در
ثبت هنرمندانه شیوه زنده گی و برخی جنبه های فرهنگ و فلکلور مردم برای
نسل های آینده است - فرهنگ و فلکلوری که ممکن است باد جاری گلوبالیزم ، آن را
از برخی جهات به کلی دگرگون سازد و احتمالاً هم از بیخ و بن برچیند و شیوه
زنده گی مردم هم خواهی نخواهی در تداوم و قوام روندهای جاری در افغانستان
ناگزیر از بیخ و بن دگرگون خواهد شد. و از برکت همین ویژه گی رمان های ببرک
ارغند در آینده ها نیز به تاق نسیان نخواهند رفت.

**در مورد نخستین رمان ببرک ارغند ، نوشته بودم : « وقتی رمان « پهلوان مراد و
اسپی که اصیل نبود » را در دست گرفتم ، با بی میلی ناشی از پیش داوری شروع به
خواندن آن کردم ؛ شب صبح شد ، ولی دیدم که نمی توانم کتاب را ببندم و به**

و اما ، از دید من ، اهمیت این دو رمان ببرک ارغند ، بیش از هر جهت دیگری در ثبت هنرمندانه شیوه زنده گی و برخی جنبه های فرهنگ و فلکلور مردم برای نسل های آینده است – فرهنگ و فلکلوری که ممکن است باد جاری گلوبالیزم ، آن را از برخی جهات به کلی دگرگون سازد و احتمالاً هم از بیخ و بن برچیند و شیوه زنده گی مردم هم خواهی نخواهی در تداوم و قوام روندهای جاری در افغانستان ناگزیر از بیخ و بن دگرگون خواهد شد. و از برکت همین ویژه گی رمان های ببرک ارغند در آینده ها نیز به تاق نسیان نخواهند رفت.

بر گرفته از سایت وزین " آسمایی "

www.ayenda.org

